

پاورقی (۴۹)

تجهیز کمونیست‌ها

دایان دوکریه، ترجمه: محمدعلی عسگری



وانکا همان کسی بود که کاروانی را برای تجهیز کمونیست‌ها به سلاح، به راه انداخت و خود مدیر نیروهای دفاع محلی شد. مانو بلافاصله شیفته این دختر شده و به عشقش مبتلا شد. ابتدای سال ۱۹۲۸ بود که آن دو به صورت یک «زوج» درآمدند؛ هرچند هیچ مراسمی برای این امر در نظر گرفته نشد. فقط ولیمه‌ای گران سنگ دادند که آن را خانم یوان فراهم کرده بود.

برخلاف «کای‌های» که دلدادگی‌اش به مانو دست‌یافتنی بود، به نظر می‌رسید هوتزونج از روی عصبانیت با او ازدواج کرده باشد. خواستگاران بسیاری داشت درحالی‌که مانو در آن زمان تقریباً ۲۴ سال داشت. به‌خصوص اینکه هوتزونج یوشکی جوان دیگری را دوست می‌داشت که «سی دان» نام داشت و کوچک‌ترین برادر مانو به‌شمار می‌رفت. سی دان نیز که از نظر فکری کاملاً برجسته بود، به هوتزونج ابراز علاقه می‌کرد. اما دربار او شائبه‌ای وجود داشت که در نظر آن دختر جوان، تمام ویژگی‌هایش از بین می‌رفت و آن اینکه هوتج یک رهبر را نداشت. هوتزونج «به کسی نیاز داشت تا در بین محافل سیاسی از او حمایت کند».

در رابطه با مانو، اما این مسائل روشن‌تر بود. از همان اولین دیدار، این چشم‌های هوتزونج بود که او را تحت‌تاثیر قرار می‌داد. می گفت شبیه به «یک جفت‌بلور» بود که با «روح انقلابی‌اش خویشتاوندی» داشت. حتی وقتی با او ملاقات کرد، احساس کرد «مثل عسل شیرین است».

قبل از هرچیز گونه‌های برجسته‌اش را دید که به چهره‌اش طراوت و تازگی خاصی می‌بخشید. اندکی بعد از ازدواج‌شان، شایعه‌ای مطرح شد که دهن‌به‌دهن گشت. مسئله تفاوت سنی آن دو و نیز غیبت‌های مکرر مانو، میدان را به سخن چینان داد. می گفتند شاید هوتزونج به‌لحاظ جنسی او را تأمین نمی‌کند. او اما زن صادقی بود. به شایعات توجهی نداشت. بیشتر به سراغ تنها فرزند باقی‌مانده‌شان یعنی «لی مین» می‌رفت. از اینکه سه فرزند دیگری را بی‌دربنی از دست داده بود، افسوس می‌خورد. باین‌حال هوتزونج به یک زن بیوه خانedar تبدیل نشد. قبل از هرچیز، او نیز مانند همسرش، روحیه‌ای قوی داشت که راه‌حل‌های متوسط را نمی‌پذیرفت. او بعد از یک ماه‌شجره به او گفت: «ما مثل آهن و فولاد هستیم. اگر یکی از ما به‌نفع دیگری کوتاه نیاید، هر دو آسیب خواهیم دید».

شاید تولد یک کودک جدید بتواند ارتباط بین دو زن و شوهر را ترمیم کند. نظام کمونیستی در ابتدای کارش سردرم بود، مانو هنوز آن مرکزیتی را که در آرزویش بود نداشت. بنابراین باید در حزب از مزاحمت‌های داخلی به‌دور می‌بود تا می‌توانست خودش را به‌عنوان یک رهبر میهنی مطرح کند. در اکتبر سال ۱۹۳۴ بود که هوتزونج حامله شد. همسرش از آن زمان استفاده کرد تا راهپیمایی طولانی خود را شروع کند؛ همان راهپیمایی‌ای که او را به یک اسطوره تبدیل کرد. سرنوشت انقلاب چین به همین راهپیمایی بستگی داشت که ۱۲ ماه طول کشید و ۱۲هزار کیلومتر را درنوردید. از تمام کسانی که داوطلب این کار شده بودند، تنها ۳۰هزار نفر مرد از بین ۱۳۰هزار نفر موفق شدند تا آخر همراه شوند.

وقتی این راهپیمایی شروع شد، هوتزونج در ماه پنجم حاملگی‌اش بود. این وضعیت به او اجازه نمی‌داد تا زمانی طولانی را در کنار مانو باشد. از آن گذشته سوارشدن بر اسب نیز برای او دشوار و حتی خطرناک بود. از ابتدای ماه دسامبر مدتی را در این راهپیمایی شرکت کرد که روی گاری دستی می‌نشست. یعنی در کنار افراد بیمار و ۳۰ زنی بود که جزء همسارن حاکمان به‌شمار رفته و جایگاهی بلند داشتند.

در پانزدهم مارس سال ۱۹۳۵ وقتی به روستای کوچکی به نام «شن‌های سفید» رسیدند، وضع‌جمل کرد. هوتزونج چندساعت از کاروان جدا شد و دختری را به دنیا آورد. دختر خواهرشوهرش نیز او را در این کار کمک کرد. کودک تازه‌متولدشده را با اولین پارچه‌ای که دم‌دست داشت پیچیده و تقدیم او کرد. هرچند ارتش روز را در همان روستا گذراند ولی مانو همسرش را آنجا ندید. به‌سرعت ادامه راهپیمایی از سر گرفته شد. با‌احتمال‌زیاد اینچنین شرایطی، آن کشور را از بی‌درمی آورد. بنابراین هوتزونج مجبور شد دخترش را بگذارد. او را نزد درونج گذاشت و او را مامور نگهداری این کودک درمقابل مقداری پول و مودمخدر کرد. آن زن از هوتزونج خواست بیش از ترک آنجا امسی روی دخترش بگذارد. اما او مخالفت کرد. اندوهی در دل داشت که وصف‌ناپذیر بود. تنها چندروز بعد بود که مانو را ملاقات کرد. کیلومترها از آنجا دورتر شده بودند. در حالی که می‌گریست، این خبر را به او داد و گفت که چچه را گذاشته است. مانو در پاسخ او تنها گفت: «احسنت. باید همین کار را می‌کردی».

ادامه دارد

اصلا فرض کنیم رهبر جدید داعش، خلاف مدعی یکی از مشاوران امنیتی دولت عراق، در رقابت با خلیفه خودخوانده این سازمان تروریستی یک شکست‌خورده مطلق باشد؛ اما بازهم نفس خبر جانشینی سریع و بی‌دردسر «ابوبکر البغدادی»، خلیفه خودخوانده این گروه تروریستی که بنابر برخی گزارش‌ها با مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کند، احتمالاً چندان به مذاق کارشناسان امنیتی و رهبران بین‌المللی خوش نخواهد آمد. مجله «نیوزویک» درحالی روز چهارشنبه خبر از تعیین سرکرده موقت گروه تروریستی داعش داد که در صورت صحت این خبر، تحولات اخیر شاهدهی دیگر بر ساختار رهبری انعطاف‌پذیر و مصائب پیشاری راهبرد «تضعیف و سپس نابودی» این سازمان تروریستی است. داستان از آنجا آغاز شد که روزنامه گاردین هفته گذشته مدعی شد ابوبکر البغدادی ماه مارس گذشته در جریان حمله هوایی نیروهای ائتلاف به منطقه «الباج» در استان نینوا به‌شدت زخمی شده است. به نوشته گاردین و به‌نقل از یک منبع عراقی، با‌وجود نگرانی‌های اولیه مقامات داعش پیرامون احتمال جان‌باختن البغدادی، این رهبر تروریستی آرام‌آرام بهبود یافته، اما قادر به انجام وظایف روزانه خود و سامان‌دهی امور نیست. این روزنامه انگلیسی در حالی خبر از دیدار مقامات ارشد داعش برای تعیین جانشینی موقت برای البغدادی داده بود که سخنگوی پنتاگون اعلام کرد ارتش ایالات‌متحده هیچ‌گونه مدرکی مبنی‌بر زخمی‌شدن رهبر داعش در جریان حملات ۱۸ مارس ندارد. با تمام این‌اوصاف، اکنون خبر می‌رسد عنوان رهبری این سازمان تروریستی نصیب یک معلم سابق فیزیک شده است که اگرچه بناست تا زمان بهبودی کامل البغدادی زمام امور را در دست داشته باشد، اما ویژگی‌های شخصیتی و قدرت رهبری او می‌تواند برای همیشه دست البغدادی را از صندلی خلافت کوتاه کند. «ابوعلاء العفری»، همين ستاره نوظهور داعش است که در آخرین گزارش افشاشده از ساختار رهبری این سازمان تروریستی در ماه جولای گذشته و با نام مستعار «ابو سچی»، عنوانی جز «مهاهنگ‌کننده امور زنان و شهدا» نداشت. با وجود این،

رهبری او می‌تواند برای همیشه دست البغدادی را از صندلی خلافت کوتاه کند. «ابوعلاء العفری»، همین ستاره نوظهور داعش است که در آخرین گزارش افشاشده از ساختار رهبری این سازمان تروریستی در ماه جولای گذشته و با نام مستعار «ابو سچی»، عنوانی جز «مهاهنگ‌کننده امور زنان و شهدا» نداشت. با وجود این،



رسانه‌ها از سرپرستی موقت داعش توسط «ابوعلاء العفری» خبر می‌دهند

پشت پرده داعش

ابوعلاء العفری، معروف به حاجی‌ایمان، یک معلم فیزیک اهل منطقه الحضر در استان نینواست که در دوران تدريس در شهر تل‌عفر، نگارش چندین اثر پژوهشی علمی و مذهبی را به پایان رسانده بود. او که در سال ۱۹۹۸، به افغانستان مهاجرت کرده بود، شش سال بعد و پس از انتصاب ابومصعب الزرقاوی به رهبری شاخه القاعده در عراق، به این گروه تروریستی پیوسته و در مقام والی استان‌های شمالی عراق، به‌سرعت مدارج ترقی را پیمود، به‌طوری‌که پس از کشته‌شدن ابومعر البغدادی و ابویوب المصري در سال ۲۰۱۰، به‌عنوان اولین گزینه اسامه بن لادن، برای به‌دست‌گرفتن رهبری القاعده عراق مطرح شد، اما پس از تغییر نام و ماهیت القاعده عراق و زاده‌شدن داعش بود که العفری در نقش رابط حلقه مرکزی داعش با ولایت‌های تحت کنترل آن در سوریه، عراق و لیبی ظاهر شده و در پی شکست‌های متعدد این سازمان تروریستی در چند ماه اخیر و برکناری ابوعلی الانباری، به معاونت ابوبکر البغدادی، خلیفه خودخوانده داعش رسید.

سابق فیزیک در شهر «تل‌عفر» در استان نینواست که معاونت البغدادی رسیده بود، از چنان هوش، ذکاوت، کاریزما و قدرت سخنوری برخوردار است که از دید سایر رهبران این سازمان، حتی خلیفه خودخوانده داعش را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است. اما الهاشمی تنها کسی نیست که باور دارد در صورت مرگ البغدادی، این معلم

باقی‌ماندن در حوزه یورو

آنکلا مرکل، صدراعظم آلمان در دیدار با نخست‌وزیر یونان با تأکید بر اینکه برلین خواهان باقی‌ماندن آلمان در منطقه یورو است، تأکید کرد باید از ورشکستگی فاجعه‌بار یونان جلوگیری به‌عمل آید. این دیدار محرمانه بوده است. **(رویترز)**

اوباما، از آگاهی تا انکار نسل‌کشی ارامنه



«ایمنی دیپلمات‌های ایالات‌متحده و نیروهای نظامی در ترکیه» وابسته به سیاست دولت در گفتن کلمه «نسل‌کشی» است. هرچند دولت ترکیه در اشتباه است و دولت ایالات‌متحده هم نیازی ندارد و نباید شریک جرم انکار حقیقت تاریخی ارامنه باشد. کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی (نسل‌کشی) سازمان ملل

به مناسبت یک‌صدمین سالگرد کشتار ارامنه

مطالعات کشتار

دست به کشتار دیگری زدن، عملی شجاعانه نیست که رذیلتی جهانشمول و بی‌مرز است؛ اما پذیرش گناه کشتار بر دوش وارثان عاملان است. مسلم این است که ترکیه امروز مسئول کشتار ارامنه نیست و مردم ترکیه همراه با بیشتر ملت‌های جهان متفر از هر نژادپرستی هستند: آن‌گونه که ترک‌ها در سوگ قتل «هرات دینک» ارمنی تبار، هزاران هزار به خیابان آمدند و «نه» بزرگی به نژادپرستی گفتند و نشان دادند نفرت نژادی جایی در ترکیه ندارد.

مسئله پذیرش و به‌رسمیت‌شناختن کشتار توسط دولت‌ها، ازاین‌نظر اهمیت دارد که از آن پرده نمایشی برپا می‌دارد. اگر ژنرال‌های کمالیست ترکیه (که خود وحشت را برای شهروندان ترک نهاده‌ینه کرده بودند) در تمامی زمانی که در قرن بیستم داشتند، نه مسئولیت که تنها حقیقت وقوع این نسل‌کشی را می‌پذیرفتند، دیگر آوایش شبه‌فاشیست طرفدار «بولفصل ایلچی بیگ» به خود اجازه قتل‌عام ارامنه را در باکو و سومگایت نمی‌دادند. همان‌گونه که ارمنی‌ها حقی برای کشتار در خوجالی و تخریب روستاهای آذری‌نشین نداشتند. آذربایجانی‌ها و ارامنه سال‌ها در کنار یکدیگر به صلح زیسته بودند، بوسنیایی‌ها، کروات‌ها، آلبانیایی‌تبارها و صرب‌ها برای چندین دهه خانواده‌ای به بزرگی یوگسلاوی را تشکیل می‌دادند. امروز اما این دست‌خاطرات همچون افسانه‌هایی است

جهان

میلادی صورت گرفت. نشانی از رشد روزافزون نفوذ این چهره در میان رهبران رده‌بالا و فرایندهای تصمیم‌گیری در این سازمان تروریستی است؛ نفوذی که می‌تواند در آینده نزدیک موجب آشتی و همکاری هرچه بیشتر این سازمان با گروه‌هایی مشابه چون القاعده یا جبهه النصره شده و پای اعضای خارجی داعش را به ساختار رهبری این سازمان تروریستی که اکنون تماماً در اختیار فرماندهان سابق رژیم صدام و دیگر اعراب است، باز کند. این در حالی است که برخی دیگر از کارشناسان به اخبار جانشینی العفری به دیده تردید می‌نگرند. «الیا مانیه»، یکی از این کارشناسان است که نه‌تنها احتمال جانشینی العفری در صورت مرگ البغدادی را رد می‌کند، بلکه معتقد است حالا که خلیفه خودخوانده داعش زنده است، به کسی اجازه نخواهد داد تا حتی به عنوان جانشین موقت نیز اداره امور را به‌دست گیرد. او با اشاره به اینکه انتخاب جانشین البغدادی، نه به سبک و سیاق القاعده و به دست رهبر این گروه، بلکه توسط شورایی مرکزی انجام می‌پذیرد، خاطرنشان کرد اگر البغدادی قصد احیای خلافت و سنت مدنظر خود را داشته باشد، هیچ‌گاه دست به تعیین جانشین موقت خود نخواهد زد. «ولیمام مک‌کاتسین»، کارشناس امور خاورمیانه نیز بر این باور است شورای مرکزی داعش پس از مرگ «ابومصعب الزرقاوی»، بنیان‌گذار این سازمان تروریستی، چندین‌وجندمعیار مشخص برای انتخاب رهبر آتی مدنظر داشته است: روابط قبیله‌ای و تبار خانوادگی؛ یعنی همان معیارهایی که العفری از آنها بی‌بهره است. «سجاد حید» تحلیلگر و محقق مؤسسه اصلاحات اقتصادی عراق نیز ضمن تأیید این ادعا، بر این باور است در صورت مرگ خلیفه کنونی داعش، العفری همچنان به‌عنوان یک چهره برجسته عملیاتی ابغای نقش خواهد کرد، اما به‌دلیل نداشتن سابقه کافی، به احتمال فراوان به‌عنوان رهبر این گروه تروریستی برگزیده نخواهد شد. این در حالی است که به گفته این کارشناس عراقی، العفری چنان چهره شناخته‌شده‌ای است که انتصاب او به مقام رهبری این سازمان تروریستی می‌تواند موجد خطرات امنیتی فراوانی برای کادر رهبری داعش باشد.

۲ سال زندان برای رئیس‌امور سابق

دیوید پترانوس، رئیس سابق سیا، که پس از افشاشدن روابطش با نویسنده‌ای به نام «پائولا برادول»، مجبور به استعفا شد، به جرم انتقال اطلاعات محرمانه به این نویسنده، به دو سال زندان تعلیقی و پرداخت ۱۰۰ هزار دلار جریمه محکوم شد. **(بی‌بی‌سی)**

بخشی از آن شود. اقدامات تحمیلی برای جلوگیری از تولد در گروه و انتقال با زور کودکان گروهی به گروه دیگر. تناسب آنچه برای ارامنه در ترکیه رخ داده با این توضیحات غیرقابل انکار است. باین‌حال دولت ترکیه هنوز به‌طرزی گستاخانه، هرکسی را که به‌درستی این واقعه تاریخی را نسل‌کشی بخواند، شکنجه می‌کند. واکنش افراطی ترکیه در خدمت یک هدف است: ترساندن کسانی که جرئت می‌کنند از حقایق تاریخی حرف بزنند. به عنوان مثال، یکی از مشاوران کنگره، تردید دولت اوباما برای «نسل‌کشی» خواندن آن واقعه تاریخی را به سادگی با این سؤال توجیه می‌کند: «با توجه به همه اتفاقاتی که در منطقه می‌افتد، آیا زمان مناسبی برای درافتادن با ترکیه است؟»اما هیچ‌وقت زمان برای خشمگین‌کردن ترکیه مناسب نیست و ادامه قبول نکردن انکارگرایی آنها نمی‌ارزد؛ مبارزه با تروریسم با وجود غرور زخمی ترکیه، پیش می‌رود. ترکیه- خلاف لیبی که هرج‌ومرج پس از انقلابش به حمله مرگبار دیپلمات‌های آمریکایی منجر شد- دارای نیروهای امنیتی دست‌بالا و ماهری است؛ بنابراین هرگونه شکست در کمک به حفاظت از دیپلمات‌ها و نیروهای آمریکایی، موجب برکناری او به‌عنوان یک متحد می‌شود. «رافی خاتچادوریان» امسال در مطلب خود برای نیویورکر با یادآوری مصیبت خانواده‌اش در میان نسل‌کشی نوشت: «انکار دولت یک خلا یا فقدان سادح حقیقت نیست بلکه ابزار جرات‌خوار است». اوباما و دولت ایالات‌متحده حالا با به‌کاربردن این ابزار، هم‌دست دولت ترکیه در انکار تاریخ هستند.

که هیچ‌گاه وجود خارجی نداشته است. در بالکان هم اقوام چنان به هم تنیده بودند که «یتو» خود چراگی در مسجدی کوچک در بوسنی می‌آویخت و شمعی در صومعه‌ای در صربستان. «فرت» اما جهان‌وطن‌ترین واژه در ادبیات سیاسی- قومی است که مرزها را به‌راحتی درمی‌نورد و اینکه ماهمایی چون «قومیت» و «هویت ملی» در کجای این پازل قرار گرفته است، در شرایطی قابل درک است که نگاهی بیندازیم به میراث باقی‌مانده از آن. تمامی این سرزمین‌ها تبدیل به ملکی استیجاری برای الگارش‌هایی شده‌اند که از خون پول برداشت کردند و سیاست‌مردانی که قدرت سیاسی دوران شوروی را با توان اقتصادی دوران نوئوبریلیسم تاخت زدن. ناسیونالیسم ارمنی امروز در جمهوری ارمنستان ملامت‌های اقتصادی و بحران‌های مهاجرتی شده است و دموکراسی آذربایجانی هم که به مسلخ خاندان علی‌اف رفته است تا سرزمین ثروتمند آتش‌های جاویدان را زیر چکمه‌های امنیتی خود کنترل کند، آن‌هم هنگامی که شهروندان کشور آذربایجان به مدد تبلیغات گشاده‌دستانه شیخ‌نشینان خلیج‌فارس سر از صفوف نیروهای تکفیری داعش درآورده‌اند. در این میان اما شهروند دنیای امروز ایستاده است: تمام تاریخ خون‌بار بشر را پشت‌سر خود دارد و در پیش‌رویش رنج ستجار و کوبانی را می‌بیند. اگر هنوز بازماندگانی از کشتار ارامنه، قتل‌عام یهودیان، پاکسازی‌های قومی بالکان، جنگ دوم جهانی، جنگ ویتنام و قوم‌کشی رواتدا باقی مانده‌اند، به این دلیل است که ما به آنچه خویشتن نگاهی بیندازیم و با خود تکرار کنیم که چنین جایی «هرگز» دیگر رخ نخواهد داد!

رویداد

کشته‌شدن ۲گروگان در عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان

● کاخ سفید اعلام کرد دو گروگان آمریکایی و ایتالیایی در عملیات ضدتروریسم آمریکا در منطقه مرزی افغانستان و پاکستان در ماه ژانویه امسال کشته شدند. به گزارش بی‌بی‌سی، «وارن واینستین» آمریکایی و «جیوانی لو پورتو» ایتالیایی از جندسسال پیش در دستان القاعده اسیر بودند. آقای واینستین ۷۳ سال داشت و در سال ۲۰۱۱ از خانه‌اش در لاهور پاکستان ربوده شد. او هفت سال در پاکستان زندگی کرده بود و عمدتاً در طرح‌های توسعه اقتصادی فعال بود. جیوانی لو پورتو ۳۹ ساله در سال ۲۰۱۲ از شهر مولتان در پاکستان ربوده شد. او برای یک سازمان امدادرسان بین‌المللی کار می‌کرد. کاخ سفید تأکید کرد که دو آمریکایی دیگر نیز که از اعضای القاعده بودند در این حمله کشته شده‌اند. یکی از این افراد «آدام گدن» بوده که زمانی سخن‌گوی گروه القاعده محسوب می‌شد. «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا، هم گفت، دو گروگان آمریکایی و ایتالیایی «به‌طور تصادفی» در این عملیات کشته شده‌اند.

ادامه تجاوز هوایی عربستان به یمن

● درحالی‌که در ادامه تجاوزهای عربستان علیه یمن، مناطق مختلفی از شهرهای «عدن» و «تعز» در این کشور و همچنین انبار کمک‌های بشردوستانه برای یمن، هدف حمله و بمباران جنگنده‌های ائتلاف عربی قرار گرفت، خبرها حاکی از ورود اولین گردان گارد ملی عربستان برای شرکت در تجاوزهای علیه یمن، در مرزهای جنوبی عربستان است. به گزارش اسکای‌نیوز، جنگنده‌های ائتلاف عربی به رهبری عربستان عصر پنجشنبه حملات هوایی گسترده‌ای را علیه مقر فرماندهی دفاع هوایی و پایگاه هوایی استان «الحدیده» یمن انجام دادند. منابع محلی اعلام کردند، انفجارهای قوی در مقر گردان ۱۳۰ دفاع هوایی که از قدرتمندترین اردوگاه‌های دفاع هوایی یمن به شمار می‌رود، رخ داد. این در حالی است که این منابع همچنین از وقوع شدیدترین بمباران ائتلاف عربی علیه پایگاه‌هایی در عدن خبر دادند. همچنین اولین گردان‌های گارد ملی عربستان برای محافظت از مرزهای عربستان و مشارکت در عملیات نیروهای مسلح آل‌سعود علیه یمن وارد مرزهای جنوبی عربستان شدند.

حمله اسرائیل به مقر جنبش حماس در شمال غزه

● به‌دنبال شلیک دو موشک از نوار غزه به اراضی اشغالی، اسرائیل مقر جنبش حماس در شمال نوار غزه را هدف قرار داد. به گزارش آسوشیتدپرس، پس از آنکه دو موشک از نوار غزه به اراضی اشغالی شلیک شد، آذریهای خطر در شهرک‌های «سدیروت» و «غزیم» به صدا درآمد. درهمین‌حال رژیم صهیونیستی کلوله‌هایی را از توپخانه خود به‌سمت مقر جنبش حماس فلسطین در شمال نوار غزه شلیک کرد. این حمله خسارت مادی به‌همراه داشت. در همین راستا، نیروهای امنیتی اسرائیل در واکنش به حمله موشکی از نوار غزه، کنگره «بیت‌حانئون» در شمال غزه را بستند و مانع رفتن صدها نمازگزار فلسطینی به قدس برای ادای نماز در مسجدالاقصی شدند.

۳برابردن بودجه اتحادیه اروپا برای نجات مهاجران

● رهبران اتحادیه اروپا تصمیم گرفتند بودجه عملیات جست‌وجو و نجات قایق‌های حامل مهاجران در آب‌های مدیترانه را سه برابر کنند. به گفته مقام‌های اروپایی، اتحادیه اروپا همچنین در حال بررسی راه‌هایی برای توقیف و معدوم‌سازی شناورهای قاچاقچیان است و می‌خواهد مأمورانی را در کشورهای خارج از این اتحادیه مستقر کند، در تازه‌ترین نشست اتحادیه اروپا برای بررسی بحران مهاجران غیرقانونی که در بروکسل برگزار شد، شماری از کشورهای اروپایی پذیرفتند منابع و کشتی‌های بیشتری برای عملیات گشت‌زنی دریایی اختصاص دهند. بنا به تصمیم تازه اتحادیه اروپا، میزان بودجه اختصاص‌یافته برای عملیات جست‌وجو و نجات در مدیترانه به حدود ۱۳۰ میلیون دلار خواهد رسید.

نفوذ هک‌های روس به شبکه‌های غیرمحرمانه آمریکا

● وزیر دفاع آمریکا فاش کرد، گروهی از هک‌های روس در یک حمله سایبری در سال جاری میلادی توانستند به یکی از شبکه‌های غیرمحرمانه ارتش آمریکا دسترسی پیدا کنند. به گزارش رویترز، «اشتون کاترر»، وزیر دفاع آمریکا، اعلام کرد، این حمله سایبری روس‌ها درعین‌حال که از تهدید فزاینده سایبری خبر می‌دهد، ارتقای قابلیت‌های آمریکا برای پاسخ به این تهدیدات را نیز نشان داده است. اشتون کاترر در سخنرانی در دانشگاه استنفورد آمریکا اعلام کرد این رخداد به‌تازگی از حالت محرمانه خارج شده است. او هشدار داد که پنتاگون آماده است از شبکه‌های آمریکا دفاع کرده و در صورت لزوم از سلاح‌های سایبری استفاده کند.